

فرخ نگهدار

# چهارمین سال پیروزی انقلاب

Ac

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

تکثیر از سازمان هواداران فداییان خلق ایران (اکثریت) در بریتانیا

۵۰ پسر

با فرا رسیدن ۲۲ بهمن، یکسال دیگر از عمر پر بار انقلاب بزرگ ضد امپریالیسمی و مردمی ایران گذشت. رویدادها و سیر انقلاب ایران، در سالی که گذشت نیز، در عرصه ملی و بین‌المللی همچنان اهمیت قابل ملاحظه‌ای داشت. این انقلاب در چهارمین سال حیات خود نیز همچنان در معرض توطئه‌های امپریالیسم جهانی، دولت‌های ارتجاعی منطقه و ضد انقلاب داخلی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار داشت و در این مبارز تلاش به منظور تحمیل جنگ فرسایشی طولانی و درگیر نگاهداشتن ایران در جنگی سی‌فرجام عمده‌ترین توطئه خارجی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران بود.

در سالی که گذشت مبارزه در راه نییت و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تلاش برای پیشبرد همه‌جانبه آن محور سربد همه نیروهای مدافع انقلاب بود. تشدید مبارزه میان نیروهای مدافع اصلاحات بنیادین اقتصادی - اجتماعی و سپید رنگی نوده مردم، از طریق مقابله با بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری وابسته از یک سو و نیروهای طرفدار حفظ وضع موجود و حتی برگشت آن به عقب، ویژگی برجسته چهارمین سال پیروزی انقلاب ایران است.

### جنگ فرسایشی: عمده‌ترین توطئه خارجی امپریالیسم

سالی که گذشت نشان می‌دهد که نقشه امپریالیسم برای درگیر نگاهداشتن ایران در جنگ و تبدیل آن به یک جنگ فرسایشی طولانی عمده‌ترین توطئه امپریالیسم آمریکا برای اعمال فشار از خارج برای فرسایش نیروهای انقلاب ایران و فراهم آوردن شرایط در هم شکستن و با مسخ آن بوده است.

پیروزی‌های بزرگ و تعیین کننده جمهوری اسلامی ایران در طول سال ۶۵. دستاورد منطقی و طبیعی شکست توطئه امریکائی بنی‌صدر و تقویت مواضع نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت بود. این پیروزیها در سه ماهه سال ۶۱ سیر ادامه یافت و نقطه اوج آن فتح خرمشهر بود.

جشن و سرور نورانگیر و وسیع‌ترین توده‌های مردم زحمتکش ما در روزهای سوم و چهارم خرداد، جشن پیروزی مردم ما بر اهداف اولیه تحاور امریکائی رژیم صدام به میهن انقلابی ما بود. توده‌های مردم ما، با نثار دهها هزار شهید و مجروح، با تحمل ویرانی چندین شهر و صدها روستا، به نهای آوارگی میلیون‌ها نفر و سسه قیبت بغیل میلیاردها خسارت و هزینه جنگ، این پیروزیها را بدست آوردند، آنها کوشیدند تا پس گرفتن شهر هاو مناطق اشغالی میهن. جنگ را به پایان خود نزدیک و صلح را به مردم ایران و عراق ارزانی دارند. پیروزی‌های بزرگ ایران، در میان نیروهای مترقی جهان نیز چنین بازتابی داشت.

۱- در نپس برده دودئ که این جنگ ایجاد می کند، با شتاب بسیار در جهت گسترش پایگاههای نظامی خود در منطقه حرکت کند، سپاه "واکنش سریع" خود را سرعت گسترش دهد و آن را در نقاط مورد نظر در مصر عربستان، عمان، پاکستان، ترکیه، سومالی و کنیا مستقر سازد و برای تهاجم همه جانبه علیه انقلاب ایران و دیگر خلقهای منطقه در لحظه موعود آماده سازد.

۲- نیروهای ضدامپریالیستی - ضد صهیونیستی منطقه را از یکدیگر دور نگاهدارد و هر یک را درجبهه ای جداگانه مشغول کند و مانع از آن شود که این نیروها همه توان خود را علیه امپریالیسم و صهیونیسم بکار گیرند. (موفقیت امپریالیسم در شعله ور نگاهداشتن آتش جنگ عراق با ایران، بویژه به صهیونیست های اسرائیل در تجاوز ددمشانه به لبنان و کشتار وحشیانه مردم فلسطین و اشغال خونین بخشی از خاک لبنان کمک کرده است.)

۳- کشورهای ارتجاعی را به درون بلوک بندی های نظامی تازه بکشاند و بازارهای تازه ای برای فروش تسلیحات خود ایجاد کند.

۴- متحدین خود در ناتو را به بهانه "خطری" که امنیت خلیج فارس و صدور نفت را "تهدید" می کند به "عمل مشترک" برای حفظ "منافع مشترک" در منطقه خاور میانه و اقیانوس هند وادار سازد.

بدین ترتیب دیده می شود که اهداف امپریالیسم امریکا از ادامه جنگ بسیار گسترده و خطرناک است. مقاومت دلبرانه توده های زحمتکش ما نقشه امپریالیسم، برای تجزیه ایران و صدور ضدانقلاب و تشکیل "ایران جنوبی" به کمک تجاوز رژیم صدام، را با عدم موفقیت روبرو ساخته است. با این همه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا موفق گردیده است به یکی از آرزوهای بزرگ خود، و به بخشی از اهداف پلید نقشه های جدید خود، یعنی تبدیل جنگ به یک جنگ فرسایشی و درگیر نگاهداشتن بی فرجام نیروهای انقلاب ایران در این جنگ نزدیک شود. روندهای ۶ ماهه گذشته بیش از همه برای طرفداران ادامه آن مطلوب بوده است.

برای خنثی کردن این توطئه خطرناک امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا علیه انقلاب ایران و خلقهای بهاخاسته منطقه باید: سرنوشت رژیم صدام، ایمن دشمن سوگند خورده خلقهای ایران و عراق، را از سرنوشت این جنگ تحمیلی جدا کرد و بر اساس دفع تجاوز و حفظ تمامیت ارضی ایران راههای پایان دادن به جنگ را جستجو کرد. سرنگونی رژیم صدامی که از سوی امپریالیسم امریکا وسیله تحمیل این جنگ و این همه خسارات و این همه تلفات به مردم و میهن ما و به مردم ستمدیده عراق گردیده است، رژیمی که دستاوردهای مبارزات مردم عراق را به یغما داده و راه دوستی با دشمنان مردم عراق را در پیش گرفته است، خواست و آرزوی بزرگ مشترک و انقلابی مردم دو کشور ایران و عراق است. برای تحقق این آرزوی بزرگ باید از جنبش انقلابی مردم عراق، از اتحاد بزرگ همه نیروهای ترقیخواه عراق در مبارزه علیه رژیم جنایتکار صدام، در راه سرنگونی و مجازات این خائنین با تمام نیرو حمایت کرد. چنین است یگانه راه مقابله با این توطئه بزرگ امپریالیستی و یگانه راه منطقی ممکن تحقق خواستهای برحق مردم دو کشور.

بازتاب پیروزی های ما در میان امپریالیستهای امریکائی، صهیونیست های اسرائیلی و دولت های ارتجاعی منطقه و جبهه ضدانقلاب داخلی نکلی متفاوت بود. آنها به هیچ وجه نگرانی عمیق خود را از پیروزیهای بزرگ ما پنهان نساختند. وضعیت جدید برای آنها نگران کننده بود. زیرا:

اولاً - اهداف مقدم تجاوز امریکائی رژیم صدام، یعنی اشغال بخشی از ایران و صدور آشکار ضدانقلاب و ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران نکلی با شکست، بواحه شده بود.

ثانیاً - آغاز و ادامه جنگی که، تجزیه ایران، برای مردم عراق کوچکترین سودی نداشت مردم عراق را بیش از پیش از رژیم صدام دور ساخته و ناراضی توده های از آنرا تشدید کرده بود.

ثالثاً - با پیروزی های درخشان ایران اوضاع و شرایط برای ادامه و گسترش جنگ، طولانی کردن آن، و فرودن و بر باد دادن نیروهای دو کشور و تشدید تشنج در منطقه نامساعدتر شده بود.

در چنین شرایطی امپریالیسم امریکا و دولت های سرسپرده وی در منطقه ضروری می دیدند که اوضاع جدید را از نو بررسی کنند. آنها پس از خرداد به نقشه جدیدی نیاز داشتند. هسه اصلی توطئه جدیدی که بهمن منظور از جانب امپریالیسم امریکا طراحی شده است عبارت است از تلاشهای وسیع و همه جانبه برای شعله ور نگاهداشتن جنگ به هر قیمت و تبدیل آن به یک جنگ فرسایشی بی فرجام. اهداف مشخص توطئه فرسایشی کردن جنگ، در ایران، در عراق و در منطقه بصورت زیر قابل جمع بندی است:

در ایران

۱- نیروی مادی و انسانی ما را از سلاتی در راه سازندگی کشور بازدارد و به سعه های نابود کننده جنگ بشارد.

۲- ناراضی را در میان توده های مردم دامن زندو از این طریق انقلاب ایران را از مهمترین تکیه گاه و منبع اصلی نیرومندی خویش، که حمایت وسیع توده ایست، محروم سازد.

۳- نگذارد انقلاب ایران در مسیر درست خود، یعنی در راه انجام اصلاحات سزادین اجتماعی - اقتصادی پیش رود. انقلاب به سود حریسان راستگرای مخالف اصلاحات سزادین، در سست قرار گیرد و بد راه مسخ و نابودی کشیده شود.

در عراق

۱- پای عراق را به درون بلوک بندی نظامی تجاوزکارانه و ارتجاعی منطقه بکشاند و آن را به سوی وابستگی و سردگی بیشتر به سیستم جهانی امپریالیستی موق دهد. (هر زمان که می گذرد کمز رژیم صدام، زیر بار میلیارد ها دلار کمک و سرازیر شدن سیل تسلیحات سزاده از سوی کشورهای عربی و حضور مستشاران خارجی و نیروهای نظامی اعزامی از سوی کشورهای ارتجاعی، در برابر سیستم جهانی امپریالیستی بیشتر خم می شود.)

۲- مردم عراق را در برابر مردم ایران قرار دهد و ناسیونالیسم عرب را در عراق از دستگیری ضد صهیونیستی - ضد امپریالیستی به طرف دشمنی با جمهوری اسلامی ایران بکشاند.

۳- املای را بر سر توده های ستمدیده علیه استقلال و آزادی عراق مبلوگر سازد و در آتش تفرقه افکنی مردم عراق رژیم صدام را کند کند و موعود رژیم صدام را که با شکست در آید، سست بماند بود از سونجکیم بخشد.

## انتخاب راه: عمده‌ترین مسأله جمهوری اسلامی ایران

برجسته‌ترین ویژگی چهارمین سال انقلاب تشدید مبارزه میان نیروهای اجتماعی متعلق به طبقات اجتماعی متفاوت در جمهوری اسلامی ایران بر سر تعیین راه آینده جمهوری اسلامی ایران بود. شاید بیان این واقعیت، آنهم بمثابة "برجسته‌ترین ویژگی چهارمین سال انقلاب" و "مسأله عمده" جمهوری اسلامی ایران کمی اغراق آمیز و حتی شگفتی آور آید. اما راست اینست که با وجود قانون اساسی، که سنگبری عمومی ضدامپریالیستی و مردمی جمهوری اسلامی ایران را حسن ساخته و نهادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن را در جهت منافع توده مردم پیش‌بینی کرده است، با اینکه خصلت‌های اساسی خطررهبی انقلاب معین بوده است، با این همه در عمل و در واقعیت هنوز این مسأله قطعی نشده است که جمهوری اسلامی ایران به کدام راه خواهد رفت؟ راه پیشرفت انقلاب و تحقق آمجبه‌های اساسی آن را در پیش خواهد گرفت؟ و یا از حرکت باز می‌ماند و راه عقب‌نشینی و برگشت را پیش می‌گیرد؟ امروز در پایان چهارمین سال انقلاب هنوز این مسأله روشن نیست که آیا جمهوری اسلامی ایران بهمان راهی خواهد رفت که قانون اساسی و خط اصیل استقلال‌طلبانه و مردمی امام خمینی امروز فراروی آن قرار داده است؟ و یا بهمان راهی باز خواهد گشت که جامعه ما سالها طی کرده است؟

رهبی انقلاب و قانون اساسی به وضوح جانب محرومان را داشته‌اند و این انقلاب را انقلاب کورخ‌نشینان علیه کاختنشینان توصیف می‌کنند. با این حال فاصله واقعی برآیند نیروهای حاکم، از این سنگبری انقلابی و مردمی تا آنجاست که هنوز روشن نیست که این جمهوری به کدام سمت می‌رود و که بر کج‌سو خواهد شد؟

برجسته‌ترین ویژگی سومین سال انقلاب ایران حدت بیسابقه مبارزه میان جریان‌های آشکار بورژوازی با گرایش سیاسی لیبرالی، غربی و براندازی انقلاب از یک سو و جنبه طرفداران حفظ انقلاب و بقای جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر بود. جنبه متحد دشمنان انقلاب که زیر علم بنی‌صدر جمع شده بودند بسیار رنگارنگ بود. تمام مخالفان جمهوری اسلامی ایران و مخالفان رهبری امام خمینی، از انجمن شاخته شده امپریالیسم، ساواکی‌ها، سلطنت‌ظلم گرفته تا ملی‌گرایان میان‌پوسیدای چون لیبرال‌های هخت آزادی و جنبه ملی و خلق ملّمان و دیگران، تا یک رشت از روحانیون متدنی‌مآب، تا مائوئیست‌ها و جنبه‌های دو آتشه همه را در بر می‌گرفت. سازمان محاهدین خلق، به علت انشاء برک و خیانت رهبران آن، علیرغم تعالیات بارز ضدامپریالیستی و مردمی اکثریت افراد آن نیز به این جنبه براندازی کشیده شد. این جنبه علیرغم تفاوت‌های ظاهری جدی، در عمل در برابر رهبری انقلاب استاده و خواهان براندازی انقلاب از طریق بربرکشدن نیروهای انقلابی حاکمیت و تشکیل یک دولت میان‌رویه رهبری بنی‌صدر بود. دشمنی کینه‌توزانه با سیروان اصیل سوسالیسم علمی، حزب توده اسپران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، نیز وجه مشترک برجسته نیروهای این جنبه بود. شعارهای ملی‌گرایانه، تعارض اسلامی و شرعی، زسب‌های آزادخواهانه، استعاده رویکارانند از نام مارکسیسم و غیره و غیره همه و همه توسط نیروهای رنگارنگ این جنبه در خدمت پیشبرد یک‌هدف: "براندازی انقلاب" بکارگرفته می‌شد. در جنبه مقابل ملاحرا فقط دو جریان به چشم می‌خورد. یک جریان سیرهانی بودند که همگی روی مواجبه اسلامی تکیه داشتند و با بنی‌صدر و ائتلاف او مخالفت می‌کردند و دیگری سیروان اصیل، سوسالیسم علمی بودند که با حمایت قاطع از سیرهانی ضد امپریالیستی و مردمی سیروان اصیل علیه توطئه امپریالیستی روی کار آوردن "دولت میانه‌رویه" ائتلاف بنی‌صدر و همه طرفداران سبها و آشکار راه او سبگرانه

سازره می‌کردند.

زمانی که خیزش توده‌های میلیونی خلق به رهبری امام خمینی جنبه امریکائی بنی‌صدر را در هم می‌شکست باور طیف وسیعی از نیروهای انقلابی هنوز آن بود که به دنبال از پیش پا برداشته شدن "خط سازش" بازرگان و در هم شکسته شدن "خط نفاق" بنی‌صدر "بینش واحدی" حاکم خواهد شد و جمهوری اسلامی ایران بدون هیچ "عذر و بهانه‌ای" و بدون هیچ "مانع درونی" جدی راه حمایت از محرومان و کورخ‌نشینان و تحقق آرمانهای دیرینه آنان را در پیش خواهد گرفت.

رویدادهای یکسال و چند ماه اخیر نشان داده است که شکست توطئه بنی‌صدر، گرچه وزن نیروهای انقلابی را در یافت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران افزایش داد اما موفق نشد همه نیروهای مخالف پیشرفت انقلاب در راستای ضد امپریالیستی و مردمی آن را طرد کند. پس از بنی‌صدر نیز همچنان دو گرایش عمده در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باقی ماند. دو گرایشی که گرچه هر دو بر اسلام تکیه می‌کنند، اما در زمینه مسایل مربوط به ساختار اجتماعی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران هر یک مواضع جداگانه‌ای دارند.

پیشرفت مبارزه طبقات و طرح بنیادی‌ترین مسایل اجتماعی - اقتصادی امروز وجود این دو گرایش متضاد و صف‌بندی‌های متفاوت آنان را برای توده مردم تا حدود زیادی آشکار ساختند. امروز توده مردم به تدریج درک می‌کنند که پس از بنی‌صدر هم در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران دو خط وجود داشته است، دو خطی که گرچه هر دو بطور جدی و با تأکید بسیار روی "موازنه شرع و فقه اسلامی" تکیه می‌کنند و خواستار رعایت همان موازین هستند، اما در عمل و به هنگام تطبیق آنها با موارد مشخص، هنگام مواجهه با مسایل مشخص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، و بویژه در مسایل اقتصادی، هر یک برداشتهای متضاد خود را در برابر دیگری قرار می‌دهند.

حفظ با براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری وابسته امروز آن مسأله مرکزی مهمی است که دو گرایش موجود در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را از یکدیگر متمایز می‌کند.

امروز انجام یک رشته اصلاحات بنیادین با هدف محدود کردن غارت سرمایه‌داری و نابودی بزرگ مالکی، به مثابه مرم‌ترین وظایف انقلاب، فراروی انقلاب، قرار گرفته است. مخالفت با این اصلاحات منین مخالفت با پیشرفت انقلاب و تلاش برای حفظ وضع موجود است. دفاع از انجام آنها دفاع از پیشرفت انقلاب در راستای تأمین عدالت اجتماعی است. هر روز که می‌گذرد این واقعیت برای توده‌های وسیعتری آشکار می‌شود که در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران دو جریان با دو سنگبری متفاوت وجود دارند که هر یک راههای متفاوتی را فراروی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهند. آنها درمی‌یابند که یک جریان می‌خواهد چپاولگری بی‌بند و باز سرمایه‌داری محدود شود، بزرگ مالکی ملفی گردد و اقداماتی بسود توده‌های وسیع مردم محروم و زحمتکش صورت گیرد و جریان دیگر عملاً جلوی اینکارها را گرفته و می‌خواهد نظام ظالمانه و غارتگرانه سرمایه‌داری بدون محدودیت حفظ شود، بزرگ مالکی دست خورد و اساس جامعه گذشته با برخی تغییرات در شکل و عوض شدن اسامی پارحاً مانند:

حرکت مجلس شورای اسلامی در سالی که گذشت آئیند شفاف این جمع‌بندی است. دو جریان موجود در مجلس قبل از هر چیز از روی مواضع متفاوت آنان نسبت به بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری وابسته از یکدیگر متمایز می‌شوند. به هنگام طرح عمده‌ترین طرحها و لوایح بنیادین، از قبیل دولتی شدن بازرگانی خارجی، احیاء و واگذاری اراضی مزروعی، زمین‌های شهری و ... صف بندی‌های نسبتاً ثابتی در موافقت و مخالفت با این اقدامات وجود داشته است.

گرچه امروز موضع گیری متضاد نسبت به بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری وابسته وجه مشخصه اصلی دو گرایش موجود در حاکمیت جمهوری اسلامی است. اما به وضوح دیده می شود که در سایر عرصه ها هم وضع تقریباً "همینطور است". دو گرایش موجود در حاکمیت در زمینه سیاست خارجی، بویژه در سیاست نسبت به کشورهای امپریالیستی و سوسیالیستی، و همچنین در زمینه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی، بویژه در برخورد با بیروان سوسیالیسم علمی، هم بطور عمده مواضع جداگانه ای دارند هر چند که در زمینه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی متاسفانه برخی از نیروهای که واقعاً از منافع محرومان و انجام اصلاحات بنیادین طرفداری می کنند به هیچ وجه حاضر نیستند وجود نیروهای دگراندیش را تحمل کنند و در این زمینه خاص در حیطه نیروهای راستگرای مخالف پیشرفت انقلاب قرار گرفته اند.

همانگونه که انتظار می رفت امروز دیگر همه کسانی که خود را مدافع جمهوری اسلامی معرفی می کنند از اجرای قانون اساسی آن پشتیبانی نمی کنند. آنها حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و می گویند جلوی اجرای اصول انقلابی و مردمی آن را بگیرند و انگ "غیرشرعی" روی آنها بچسباند. اخیراً این کار تا آنجا پیش رفته است که از سوی یکی از مراجع در پاسخ به پرسشی یکی از نمایندگان اقلیت مجلس با صراحت "لویجی مانند اصلاحات ارضی و بزرگانی خارجی قوانین خلاف اسلام" اعلام شده است.

رویدادهای یکسال اخیر نشان داد که در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یک جناح نیرومند وجود دارد که به هیچ وجه با اجرای اصول مردمی و انقلابی قانون اساسی در زمینه مسایل اقتصادی، در زمینه سیاست خارجی و در زمینه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی موافق نیست و از "همگان" نیز انتظار دارد که "مقاومت" کنند و نگذارند این اصول اجرا شود. چهارمین سال انقلاب بیش از پیش روش ساخت که یک خط در جمهوری اسلامی که دبروز در حرف قانون اساسی را می پذیرفت، امروز در عمل تا آنجا که بتواند می کوشد جلوی اجرای اصول مردمی و انقلابی آن را بگیرد. چهارمین سال انقلاب نشان داد که صف بندی مخالفان و مدافعان پیشرفت انقلاب و تحقق امحای آن به تدریج بر صف بندی مخالفان و مدافعان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منطبق می شود و قانون اساسی خود موضوع جدترین سردهای طبقات اجتماعی قرار می گیرد. می توان انتظار داشت که حملات راستگرایان به اصولی از قانون اساسی که متوجه محدود کردن چپاولگری سرمایه داری به سود بهبودی شرایط زندگی راحتمکنان است.

با انگ "غیر شرعی" و "کمونیستی" شدت و صراحت بیشتری بخود بگیرد. هدف این حملات زمانی آشکارتر می شود که در سایه له نیز آنها عملاً "موجه رهبری انقلاب است که صراحتاً اعلام کرده اند که هیچ چیز خلاف شرع در قانون اساسی ندیده اند. ماهیت این حملات و اهداف آن وقتی معلوم می شود که در سایه قانون اساسی توسط برجسته ترین و شناخته شده ترین شخصیت های روحانی پیرو خط امام خمینی تدوین و تصویب شده است و در یک همپرسی عمومی از جانب اکثریت عظیم توده های وسیع خلق مورد تأیید قرار گرفته است.

تشدید فشارها و تحریکات علیه حزب بوده ایران و سازمان ما سر جنبی از ناکنک مخالفان قانون اساسی و خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی است. هدف این کارزار جلوگیری از احیای هرگونه اندامی سود محرومان و زنان غاریگران است. آماج اصلی این حملات تشدید ناسکریها و مرغوب کردن جناح انقلابی حاکمیت و بازداشتن آن از انجام اصلاحات بنیادین و پیشبرد انقلاب در عرصه های گوناگون است. تشدید جو ضد بودایی و ضد اکسیت و تشدید حملات علیه کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی قبل از هر چیز از تشدید مبارزه برای انتخاب راه آینده جمهوری اسلامی

ناشی می شود.

امپریالیسم امروز با تمام قوا می کوشد با جوسازی ضد کمونیستی و ضد شوروی از کم آگاهی بخشی از نیروهای انقلابی برای منصرف ساختن آنان از هدایت جمهوری اسلامی بسست برکنند ریشه عمده ترین پایگاههای اجتماعی سلطه و نفوذ امپریالیسم یعنی بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری وابسته و نیل به سوی عدالت اجتماعی به هر قیمت بهره گیری کند. بلندگوهای امپ. لیسم به مودیانه ترین شکل ممکن علیه نهادهای انقلابی و بویژه علیه اکثریت مجلس با شدت تمام جوسازی می کنند. هدف اصلی این تلاش ترمز گذاشتن روی سنگبری مردمی نیروهای مسلحان پیرو خط امام خمینی. گمراه کردن نوده مردم و منصرف کردن آنان از ادامه مبارزه برای پیشبرد انقلاب است. این وضعیت مستلزم مقابله جدی تر و هشارانتر همه نیروهای انقلابی با این تاکتیک مزورانه امپریالیسم ضد انقلاب و نیروهای راستگرا است. این وضعیت روشنگری پیرامون ضرورت انجام ردن به غارتگری بی بند و بار سرمایه داری و برچیدن بساط بزرگ مالکی را دو چندان می کند. در سومین سال انقلاب این جنبه، بدنبال نومیادی از روی کار آوردن "دولت میانرو"

به توطئه اشاعه هر چه وسعت ترورسم روی آورد. اهداف این توطئه به گونه ای انتخاب شده بود که راه را برای اجرای توطئه های بعدی هموار کند. عملیات ترورستی از یک سو با دقت تمام حذف شخصیت های مورد اعتماد، شناخته شده و انقلابی بطور بهشتی ها و منتظری ها و دیگران و بازکردن جا برای عناصر ناشناخته و غیر انقلابی را هدف قرار داده بود و از سوی دیگر زمینه و حوی ایجاد کرد تا راستگرایان هر نوع گرایش ترفیح خواهانه اسلامی را بگویند و در عین حال نیروهای دگراندیش انقلابی را هم با شدت بیشتری مورد تهاجم قرار دهند. مشی ضد انقلابی مجاهدین خلق علاوه بر اینکه انقلاب را از نیروئی که می توانست در خدمت انقلاب قرار گیرد محروم ساخت. علاوه بر اینکه به قیمت هدر دادن جان هزاران مبارز راه استقلال و آزادی مبین عام شد. مستقیماً "سود سیاست راستگرایان و محافظه کاران نیز عمل کرده است. تردید نمی توان کرد که تمکین مجاهدین به سیاست امپریالیسم و کشنده شدن به دشمنی با سایر نیروهای مدافع انقلاب بجای دوستی و اتحاد با آنان و جستجوی دوستی با حریانه های غیرانقلابی و ضدانقلابی بجای مرز بندی قاطع و مبارزه جدی علیه آنها زیانهای بس بزرگی را متوجه روند پیشرفت انقلاب ایران ساخته است.

یکی از اهداف توطئه امپریالیسم از درگیر نگاهداشتن ایران در جنبه های حک فرسایشی با عراق کند کردن و منوقف ساختن روند پیشرفت انقلاب ایران و جلوگیری از گسترش جنبه مبارزه علیه بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری وابسته و انجام اصلاحات سود محرومان جامعه است. امپریالیسم آمریکا از تقویت ماسی سنگبری مردمی جمهوری اسلامی و تقویت بنیان های اجتماعی انقلاب از طریق از میان برداشتن بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری وابسته که عمده ترین پایگاه اجتماعی امپریالیسم در مبین ما بشمار می روند بیش از هر چیز دیگر سیمناک است و به همین دلیل تلاش می کند از طریق نگاهداشتن ایران در جنبه های جنگ از برکنار انقلاب و گسترش جنبه مبارزه علیه پایگاه اجتماعی خویش جلوگیری کند.

علاوه. چنین به نظر می رسد که امپریالیسم آمریکا بیش از پیش خود را برای مداخله موثرتر و مستقیم تر در روندهای مبارزه طبقات در جمهوری اسلامی ایران آماده می کند. حملات سابق بحب عنوان "دیکتاتوری آخوندیسم" و "حکومت ارتجاع" این روزها کاهش محسوسی یافته است. جنجالهای سابق مبنی بر "معمم یا مکتلا" "ایمان یا تخصص" که هدف آنها بیرون راندن روحانیت مبارز و وارد کردن لیبرال های بهضت آزادی و حبس ملی بود امروز گمراه می رسند. اکنون چنین به نظر می رسد که در یک ساله احمر

محافل امپریالیستی غرب روی جستجوی راههای حمایت از جناح مدافع حفظ بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری وابسته تکیه می‌کنند. حمایت وابستگان به انجمن حجتیه که زیر پوشش مذهب و به شیوه‌ای مرموز خط امریکا را پیش می‌برد و حمایت‌های بی‌شائبه و ستایش‌های آشکار لیبرال‌های نهضت "آزادی آمریکایی" از روحانیون سرشناس مخالف دولتی شدن بازرگانی خارجی و سایر اصلاحات بنیادین نشانه‌های گسترش روندهائی است که تلاش روزافزون جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران بسرکردگی امپریالیسم امریکا را برای حمایت فعال‌تر از جبهه نیروهای مدافع حفظ بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری وابسته می‌دهد. همانگونه که در جریان نوطه بنی‌صدر دیدیم می‌توان انتظار داشت که با ژرف‌تر شدن مبارزه میان جناحهای مدافع و مخالف اجرای قانون اساسی، براندازی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری وابسته، بتدریج نیروهای ضدانقلابی یکی پس از دیگری تلاشهای تازه‌ای برای تقویت نیروهای مخالف اجرای قانون اساسی و اصلاحات بنیادین و تشدید حملات علیه جناح دیگر را آغاز کنند.

### سیاست خارجی باید از تناقض عاری شود

پیروزی انقلاب ایران در عرصه سیاست خارجی دستاوردهای بسیار گرانبه‌تری داشته است. قبل از پیروزی انقلاب امپریالیسم امریکا کشور ما را از طریق پیمان ستو و قرارداد دو جانبه نظامی بصورت یک ساکاه امن برای خود و یک عامل حفظ سلطه خود بر خلقهای منطقه درآورده بود. ایران قبل از انقلاب دوست و متحد نزدیک اسرائیل و دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه و دشمن آنسوی بایدیر همه کشورهای مترقی و جنبش‌های مردمی بود. انقلاب به این وضع سنگ‌آور خاتمه داد و موفق شد گامهای بسیار موثری بسوی استقلال و رعایت مصالح واقعی مردم ما در عرصه سیاست خارجی بردارد.

با این حال کارشکنی و اخلال‌گری طرفداران دوستی با امپریالیسم امریکا و نفوذ وسیع عمال امریکا در پراپ‌وراپ خارج در سالهای اول انقلاب موجب شد تعرض انقلاب به سنگ‌های امپریالیسم در این عرصه در همدان گامهای نخست متوقف بماند. سنجایی، پردی، بی‌صدر و قطب‌زاده که یکی پس از دیگری در راس وزارت خارجه پس از انقلاب قرار گرفتند جز کارشکنی و اخلال در سیاست خارجی انقلاب، جز خدمت به منافع دشمنان خارجی انقلاب ایران، جز ممانعت از نزدیکی ایران به کشورهای دوست انقلاب ایران هیچ اقدامی نکردند.

پس از خارج شدن وزارت خارجه از جنگ سیاست لیبرالها و عمال سرسپرده امپریالیسم امریکا، گامهای موثری در جهت تصحیح سیاست خارجی برداشته شد که به برقراری ماسا، کوبا و چین دمکراتیک و گسترش مناسبات با کشورهای عضو جبهه پایداری از آن رزمه است.

با این حال باید گفت که هنوز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سیاسی که شایسته انقلاب است و در جهت تأمین همه‌جانبه استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی و تأمین رشد همه‌جانبه کشور تمام امکانات موجود را بکار نگیرد و ایران را به یک پستی‌پستی پیگیر جبهه ضد امپریالیستی جهانی تبدیل کند تا احاطه فاصله دارد که عملاً سیاست خارجی ایران همچنان دچار تناقضهای فاحش باقی مانده است.

جمهوری اسلامی ایران اساس سیاست خارجی را بر پایه "نه شرقی، نه غربی" پی‌ریزی کرده است. مدافعان راستین انقلاب این شعار را به معنای قطع هرگونه وابستگی کشور و تأمین استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن تلقی کرده و به همین اعتبار از آن پشتیبانی کرده‌اند. لاکن امروز با گذشت چهار سال از پیروزی انقلاب دیده می‌شود که این شعار نه به تعبیر مردمی و استقلال‌طلبانه آن و نه حتی به تعبیر سطحی و ظاهری آن بویژه در عرصه مناسبات اقتصادی عملی نشده است.

در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران با حداث قابل ملاحظه در معرض توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا قرار داد دستهایی در کار است که کشور ما را بطرف برخی کشورهای امپریالیستی نظیر ژاپن و حتی به طرف حکومت‌های نظامی، ضد مردمی، سرکوبگر و امریکایی نظیر ترکیه و پاکستان، که عملاً به دو دژ نظامی امپریالیسم امریکا و مامن امن ضدانقلابیون فراری ایران تبدیل شده‌اند، بکشاند. در شرایطی که در موضع‌گیریهای رسمی ایران نسبت به کشورهای عربی همواره لبه تیز حمله متوجه سرسپردگی رژیم‌های امریکایی، مصر، اردن، مراکش، عربستان، عمان و از این قبیل بوده است و در حالی که ستایش از انقلاب فلسطین و گهگاه حمایت از جبهه پایداری در سیاست خارجی بچشم می‌خورد. محافل راستگرا جابجا می‌کوشند موضع‌گیری خصمانه و تفرقه‌افکنانه علیه سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه را جانشین سیاست دوستی با آنان سازند.

تلاش برای تخریب هرچه بیشتر مناسبات با اتحاد شوروی و قطع حمایت آن از جمهوری اسلامی ایران از جانب امپریالیسم امریکا، نیروهای ضدانقلابی داخلی و نیروهای راستگرای درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هر روز حداث بیشتری می‌یابد. آنها که درصدد تغییر سیاست ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران هستند خوب می‌فهمند که یکی از راههای وصول به این هدف تخریب مناسبات با اتحاد شوروی است. این سخن اصنام خمینی بسیار داهیه است که می‌گفتند یک گروه شوروی را طرح می‌گردند که امریکا منسی شود.

امپریالیسم امریکا، محافل ضدانقلابی و برخی روحانیون محافظه‌کار از اینکه می‌بینند در آنسوی سرزمین ایران و افغانستان و ایران و شوروی حکومت‌هایی وجود دارد که برخلاف سایر همسایگان ایران یعنی ترکیه، عراق، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و پاکستان سیاست حمایت از انقلاب ایران را در پیش گرفته‌اند بسیار برآشفته‌اند. آنها امروز موفق شده‌اند باند‌های مسلح ضدانقلابیون افغانی، که تمام سازوبرگ هزینه اقداماتشان از سوی ریگان تأمین می‌شود، را به عنوان "مجاهدین افغانی" معرفی کنند و از این طریق جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه به پیروی از سیاستی بکشاند که ریگان و تاجر و ضیاالحق و شرکا، بیش از همه از آن شادمانند. هدف کنونی آنها ادامه تشنج در منطقه، اخلال در روند تثبیت انقلاب افغانستان و جلوگیری از بهبود مناسبات ایران و اتحاد شوروی و افغانستان است.

کشیده شدن سیاست خارجی ایران به سمت آرزوهای دشمنان انقلاب ما درباره "مساله افغانستان" زیانهای بسیار سنگینی را به منافع انقلاب ایران وارد ساخته است. و امروز هم تمام تلاش امپریالیسم امریکا که از شکستن انقلاب افغانستان مایوس می‌شود آنست که با کشاندن هرچه بیشتر ایران به طرفداری بیشتر از اقدامات رژیم ضیاالحق در افغانستان راهی برای ادامه تشنج در منطقه و کشاندن ایران بدرون بلوک‌های سابق منطقه و جلوگیری از بهبود مناسبات با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای مدافع انقلاب ایران پیدا کند.

بهرحال اگر قرار است انقلاب ایران در همان سعتی که قانون اساسی همین کرده است پیش رود انجام تغییرات جدی درسیاست خارجی ایران به منظور حل تناقضات آن یک ضرورت مبرم است.

اهمیت این تغییرات تا آنجاست که بدون انجام آن دستیابی به عمده‌ترین آماج انقلاب یعنی استقلال همه‌جانبه ملی که هسته آن استقلال اقتصادی است ناممکن می‌نماید. آنچه که انقلاب در دستور سیاست خارجی ما قرار داده است رفع عاجل تناقضاتی که هم مانع پیوستن ایران به جبهه جهانی ضدامپریالیستی و خنثی‌سازی توطئه‌های براندازی امپریالیسم است و هم مانع جدی راه شکوفایی اقتصاد مستقل و رشد یافته، تردیدی نیست که حل این تناقضات در شرایط خودویژه جامعه ما قبل از هرچیز منوط به آنست که در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران کدام سیاست غلبه کند؟ سیاستی که خواهان حفظ مناسبات و نظامات اقتصادی اجتماعی گذشته است؟ یا سیاستی که می‌کوشد با انجام یک رشته اصلاحات بنیادین زمینه‌های رشد سرمایه‌داری را محدود کند و بسود محرومان جامعه اقدامات موثری به عمل آورد؟

### توده‌های مردم در چهارمین سال انقلاب

شرکت مستقیم و فعال توده‌های دهها میلیون زحمتکشان شهرها و روستاهای ما در انقلاب نقطه انکاء و نقطه قوت بزرگ انقلاب ایران بوده و هست. این مشارکت موجب رشد سریع سطح آگاهی و دامنه و سطح تشکل توده‌ها گردید. این روند در چهارمین سال انقلاب با شتاب و وسعت بیشتری ادامه یافت.

در آستانه انقلاب در اکثر واحدهای تولیدی خدماتی، در بسیاری از روستاها و در محلات شهرها توده‌ها خود بخود شوراهایی را بنا کردند و وظیفه هدایت مبارزات و حل و فصل مسایل روزمره را درغیاب نهادهای حکومتی بر عهده آنان نهادند. با تاسیس نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی، که برخی از آنها از درون برخی از همین شوراها فرا روئیدند، جنبش شورائی عملاً در دو مسیر متفاوت تکامل یافت. شوراها، پس از یک دوره انحلال و احیاء و تحول و دگردیسی، سرانجام در واحدهای تولیدی و خدماتی بزرگ عملاً به سمت تشکل صنفی - انقلابی و مستقل کارگران متحول شدند و در محلات و روستاها به نهادهای حکومتی - خلقی بدل گردیدند. در تمام دوره سه ساله اول انقلاب هر دو رشته شوراها در معرض حادترین تعارضات نیروهای دست راستی، لیبرال و نفوذی‌های ضدانقلاب قرار داشتند.

در آندسته از واحدهای تولیدی - خدماتی که سطح آگاهی و تجربه مبارزاتی کارگران نسبتاً بالا بود این فشارها عموماً نتوانست تشکل کارگران را از هم بپاشد. اما سه‌ساله اول انقلاب در بسیاری از واحدها وضع اینطور بود. نیروهای ضد کارگری، ضد تشکل در مجموع موفق شدند در بسیاری جاها جلوی شوراهای کارگری را بگیرند. تلاش برای متلاشی کردن تشکل‌های کارگری به چهارمین سال انقلاب نیز کشیده شد. خط حاکم بر وزارت کار، در برخورد با تشکل‌های کارگری، همان سیاست بنی صدر و لیبرال‌ها را به شیوه‌ای خشن‌تر دنبال کرد. این خط با صدور بخشنامه‌ای در دیماه ۶۰ تشکیل هر نوع شورای جدید و تمدید دوره شوراهای موجود را "غیر قانونی" اعلام کرد. در ماههای بعد این یورش منوحه تشکل‌های کارگران منوف گردید. دهها سدیکای کارگری در تهران،

شیراز، همدان و دیگر جاها به شیوه‌ای کاملاً غیر قانونی "غیرقانونی" و "محل" اعلام گردید. مدیران لیبرال و ضدانقلابی و محافظ ضد کارگری سرمایه‌داری بخش خصوصی موج تازه‌ای را علیه فعالین کارگری و تشکل آنان دامن زدند. صدها کارگر فعال انقلابی، و حتی بسیاری از فعال‌ترین کارگران مسلمان انقلابی پیرو خط امام خمینی اخراج شدند.

اما هیچ یک از این اقدامات نه تنها جنبش کارگری را از حرکت باز نداشت، بلکه به جرات می‌توان گفت که چهارمین سال انقلاب یکی از پربارترین سال‌ها برای جنبش توده‌های کارگران میهن ما بوده است. اکنون خط کارگر ستیز حاکم بر وزارت کار بخشنامه‌های سابق خود را دایر به غیرقانونی بودن شوراهای جدیدالتاسیس عملاً پس گرفته و شوراهای موجود نیز عملاً موفق می‌شوند موجودیت خود را حفظ کنند.

در سالی که گذشت، بویژه در شش ماهه اخیر آن، مبارزه تشکل کارگران برای تدوین قانون کار بر اساس قانون اساسی گسترش قابل ملاحظه‌ای یافت. پس از انتشار پیش‌نویس قانون کار، که توسط وزیر کار و همفکران ایشان تهیه شده است، هر روز که می‌گذرد دامنه اعتراض به این پیش‌نویس وسیع‌تر و وسیع‌تر شده است. دامنه مخالفت با پیش‌نویس تا آنجا گسترش یافته است که دیگر تنها طبقه کارگر را در بر نمی‌گیرد. اعتراض به این پیش‌نویس و مغایرت آن با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌رود که تمام نیروهای مردمی روشن‌بین و همه محافظ اجتماعی ترقیخواه را در بر گیرد.

طبقه کارگر در کشاکش نیردی که در چهارمین سال انقلاب پشت سر نهاد، شناخت خود را از مسایل انقلاب به نحو قابل ملاحظه‌ای ارتقا داد. اینکه در همه جاتوده وسیع کارگران خواستار تدوین قانون کار بر اساس قانون اساسی و با استفاده از نظرات پیروان اصل خط امام خمینی و با مشارکت خود کارگران می‌شوند نشاندهنده رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی توده کارگران است. رقم فزاینده و بسیار بزرگ امضاهای کارگرانی که راساً خواستار رعایت این سه شرط در تدوین قانون کار شده‌اند بسیار امیدبخش است. این رقم و این سه خواست نشان می‌دهد که تضاد رهبر انقلاب درباره طبقه کارگر که آن را استون انقلاب نامیده‌اند تا چه حد صحیح است. این سه خواست و ابعاد حمایت توده‌ای از آن، نشان می‌دهد که شناخت طبقه کارگر ایران از وضعیت عینی، از متحدین راستین خود و از نقش و جایگاه خود رو به گسترش است.

جنبش کارگری، سطح آگاهی و تشکل مستقل آن، امروز در حدی است که به یقین باید گفت موجودیت، حرکت، سمت‌گیری و خواست آن در روندهای مبارزه جریانهای متذوق و مخالف پیشرفت انقلاب به گونه‌ای غیر قابل انکار تاثیر می‌کند. وارد شدن خواست و اراده طبقه کارگر به متابه یک "عامل موثر" در روندهای ستیز دوگرایش در جمهوری اسلامی ایران پدیده‌ایست که در چهارمین سال انقلاب شکل گرفته است. عنصر بسیار مهم در این میان آنست که توده کارگران به چنان حدی از شناخت رسیده‌اند که به تمام جریانها و روش‌های ضدانقلابی که تحت پوشش دفاع از منافع کارگران سعی در کشاندن کارگران به کارشکنی در بولید، به مقابله با مصالح انقلاب، به ایجاد جو تشنج و به ایجاد خصومت میان کارگران و دیگر اقشار مردم داشته‌اند با قاطعیت تمام "نه" می‌گویند. ضدانقلاب و مشی ضدانقلابی در حلق توده کارگران کمترین موفقیتی نداشته است. درست برعکس دفاع توده کارگران از انقلاب و دست‌آوردهای آن عامل مهم حفظ این دست‌آوردها و شکست‌های بزرگ ضدانقلاب است.

جنبش توده‌ای دهقانی نیز، با ملاحظه ویژگی‌هایش، هم‌اکنون به عنوان یک رکن مهم جنبش انقلابی میهن ما مطرح است. در سالی که گذشت مبارزه توده‌های دهها میلیونی

دهقانان زحمتکش میهن ما در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن گسترش تازه‌ای یافت. سمت عمده این مبارزه متوجه براندازی یکی از عمده‌ترین موانع پیشرفت انقلاب و پیشرفت جامعه ما، یعنی براندازی بزرگ مالک، بود. امروز با گذشت چهارسال از انقلاب رشد قابل ملاحظه جنبش دهقانی، حل مسأله زمین، آب، وسایل کشاورزی و تضمینات و حمایت‌های دولتی را در دستور قرار داده است. جدت مبارزه‌ای که در طول سال گذشته، بین دو گرایش موجود در جمهوری اسلامی حول طرح قانونی احیا و واگذاری زمینهای مزروعی حیران داشت بازتاب روشن حدت مبارزه‌ای است که جنبش توده دهقانان و توده مردم شهرها و روستاها علیه بزرگ مالکی دنبال می‌کنند. رشد این جنبش حل مسأله بزرگ مالکی را در دستور قرار داده است.

متأسفانه شورای نگهبان با قانون احیا و واگذاری اراضی مزروعی مصوب مجلس مخالفت خود را اعلام کرده است. این مخالفت هم‌اکنون اجرای طرح را متوقف ساخته است. با این حال مسلم اینست که این توقف هرگز به معنای متوقف شدن جنبش توده‌های دهقانی و خاتمه مبارزه برای حل مسأله ارضی نیست. در نتیجه رشد آگاهی دهقانان و نیاز انقلاب ایران به لغو بزرگ مالکی این مسأله هم‌چنان بصورت یکی از حادثترین مسائل انقلاب و بصورت یکی از عمده‌ترین عرصه‌های مبارزه دوگرایش موجود در جمهوری اسلامی ایران باقی خواهد ماند.

پیوند جنبش توده‌های دهقانی با نهادهای انقلابی نظیر سپاه، بسیج، جهاد و هیاتهای هفت نفره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. استحکام این پیوند از آنجا نیز هست که بافت اجتماعی این نهادهای انقلابی از جنبش دهقانی متأثر و در بسیاری موارد برخاسته از آن است. بعلاوه این پیوند، بمثابة یک عامل بسیار موثر به نطفه‌بندی تشکلهای دهقانان و یک‌گانه‌کردن مجاهدات آنان در انقلاب و بویژه در راستای حل مسایل ارضی و دهقانی کمک بسیار موثری کرده است.

رویدادهای مهم چهارمین سال انقلاب در عرصه مسائل ارضی و دهقانی، از جمله تصویب طرح احیا و واگذاری اراضی مزروعی در مجلس و رد آن توسط شورای نگهبان، توقف کار شورای عالی کشت، که در مورد کشت زمین‌های بلا تکلیف تصمیم می‌گرفت، و سپس تجدید فعالیت آن، صدور فرمان مهم آیت‌الله العظمی منتظری در مورد ادامه تقسیم زمین‌های مشمول بند الف و ب و مقاومت سرسختانه جریانهای مخالف در برابر این فرمان، صدور احکام استرداد زمین به فئودال‌ها از سوی برخی محاکم شرع و اعتراض جدی دهقانان نسبت به آن، سیل طومارها و مراجعات دهقانان در تأیید اجرای اصلاحات ارضی و در رفع ستم بزرگ مالکان از دهقانان، دامنه وسیع مهاجرت روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین به شهرها، سطح سیار نازل بازده تولید روستایی، نیم نگاهی به سمینارهای متعدد نمایندگان روستائیان و قطع نامه‌های آنان، ایسبه منازعات کوچک و بزرگ بین دهقانان و فئودال‌ها در روستاها و بالاخره نگاهی به وضع دردناک و زجرآور میلیونها دهقان بی‌زمین و کم‌زمین در سراسر کشور همه و همه نشان می‌دهد که مسأله ارضی با پیشرفت سیاست مخالفان اصلاحات ارضی قطعاً با شدت بیشتری مطرح خواهد شد.

یکی از پدیده‌های چهارمین سال انقلاب گسترش وسیع تعاونی‌هاست. با گسترش دامنه و عملکرد تعاونی‌ها به نظر می‌رسد اکنون بدستی می‌توان از یک جنبش توده‌ای تعاونی نام برد که چه در بعد اقتصادی، چه در بعد اجتماعی و حتی در بعد سیاسی، بصورت یک عامل موثر در گسترش و ژرفش جنبش انقلابی ایران، بویژه بصورت یک اهرم مبارزه علیه کلان سرمایه‌داری و مهار چپاولگری بی‌سودوار آن وارد عمل شده است. روی آوردن بخش قابل ملاحظه‌ای از کارگران، دهقانان، کارمندان، ساکنین محلات به عضویت در

تعاونی‌های مصرف و همچنین مشارکت بسیاری از تولیدکنندگان در اشکال گوناگون تعاونیهای تولید، که از وسعت پایه توده‌های انقلاب ایران مایه می‌گیرد، در گسترش و ژرفش آن به‌نوبه خود بسیار موثر است. تعاونیهای امروز واقعاً به یک موضوع مهم در مبارزه بین دو گرایش عمده در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده‌اند. در این میان تعاونی‌های مصرف کارگران، دهقانان، کارمندان و محلات در مبارزه علیه محکربین و در مقابله با چپاولگری نحرار بزرگ در تقویت مواضع بیروان خط مردمی امام خمینی در حاکمیت، در مخالفت با سیاست‌های حاکم بر وزارت بازرگانی که منحصراً سود بخش خصوصی تنظیم شده است. در حذف واسطه‌ها و تقویت کنترل دولتی بر شبکه توزیع و در تقویت نقش مردم در اداره امور نقش قابل توجهی ایفا کرده‌اند.

جنبش توده‌ای در این راستاها، بویژه در عرصه مبارزه بخاطر دولتی‌کردن بازرگانی خارجی و ایجاد تغییرات بنیادین در سیستم توزیع داخلی هنوز می‌تواند نقش فعال‌تری را برعهده گیرد.

مبارزه توده‌ای برای حل سایر مسایل اجتماعی نیز در سالی که گذشت ادامه یافت. جوانان که بخش کاملاً قابل ملاحظه‌ای از مردم کشور ما را تشکیل می‌دهند با خواسته‌ها و مطالبات خاص خود در جنبش انقلابی شرکت داشتند. حادثترین مسأله جوانان، مسأله آموزش و پرورش است. اکنون برخی مسئولان جمهوری اسلامی ایران هم اذعان دارند که نفوذ وسیع عناصر ححبه، بی‌صلاحیت و کارشکن و تصفیه وسیع و تنزل موقعیت عناصر دلسوز و کاردان و انقلابی در آموزش و پرورش امر آموزش حدود ۱۰ میلیون محصل کشور را دچار اختلال شدید و سرشست آنان را دچار اسهام ساخته است. آمار مردودین و تجدیدی‌های سال ۶۱-۶۰ نشانگر وضع فاجعه‌آمیز آموزش و پرورش است. وضع سوادآموزی هم به همین منوال است. عدم بسیج همگانی برای سوادآموزی و طرد اکثریت عظیم داوطلبان سوادآموزی به سوادآموزان موجب گردیده است که "سهفت سوادآموزی" به سهفت سوادآموزی تبدیل نشود. سیاست بسنه گاهدانشی دانشگاهها که تا همین اواخر مسلط بود، سبب زیان‌های حیران‌ناپذیری به انقلاب وارد کرد. هم‌اکنون سبب هنوز سیاست مسلط بر گزینش دانشگاهها هنوز سیاست همان‌جریانی است که طرفدار ادامه نامحدود تعطیلی دانشگاهها بود. جهت عمده این سیاست امروز متوجه حذف نیروهای مومن به انقلاب و حفظ عناصر غیرانقلابی و مخالف انقلاب است.

تعبی‌آور است که در این روزها در حائیکه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ایرانی دانشگاههای غربی به اصرار به کشور دعوت می‌شوند و هزارچندگاه هزاران داوطلب جدید برای تحصیل در دانشگاههای کشورهای آمریکایی غرب اعزام می‌شوند هزاران دانشجوی ایرانی که حتی در آخرس ماهها و روزهای تحصیل خود بوده‌اند خودسرانه تصفیه شده‌اند. گویی که دانشگاههای امریکایی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی دانشجویان ما را برای خدمت به جمهوری اسلامی ایران تربیت می‌کنند و دانشگاههای ما برای صدمت با آن همه این حقایق احباب می‌کند که در سیاست‌های مصمم آموزشی کشور از مرحله سوادآموزی تا آموزش عالی یک بازگویی اساسی صورت گیرد. انجام این تحول، خواست مبرم جوانان و همه مردم کشور است.

ورزش، هنر و اکثر فعالیت‌های پرورشی جوانان سیر باید مورد توجه جدی قرار گیرد. برآینی اگر کوشش‌های سبب‌انگیز خود توده جوانان برای گسترش ورزش را کنار بگذاریم. به نفس می‌توان گفت که تنها هیچ اقدام جدی برای گسترش ورزش میان جوانان صورت گرفته‌است بلکه در بسیاری موارد با کوشش‌های مثبت خود جوانان سبب مقابله شده است. کارنامه چهارمین سال انقلاب در سایر زمینه‌های مربوط به پرورش همه‌جانبه جوانان



نیز کمابیش به همین گونه است.

بیش از چهار سال شرکت موثر و فعال و مستقیم زنان در تمام جنبه‌های مبارزه انقلابی خیزش نوینی در سطح آگاهی، بویژه آگاهی سیاسی توده زنان میهن ما ایجاد کرده است. این آگاهی با سال‌های قبل از انقلاب و حتی با پارسال قابل مقایسه نیست. انقلاب برای زنان میهن ما شرایط بسیار مساعدی ایجاد کرد که مبارزه حق طلبانه خود را در وسیع‌ترین زمینه‌ها گسترش دهند. این مبارزه در سالی که گذشت متوجها هدف دفاع از حق شرکت برابر حقوق زنان در تمام عرصه‌های کار و زندگی اجتماعی ادامه یافت.

حقیقت تلخ اینست که با اینکه قانون اساسی بر شخصیت والای زن و حقوق او اشاره صریح دارد اما هنوز این حقوق و این اعتبار به علست عملگرد وسیع عناصر راست قشری و ناراضی‌تراش، وسعا" نادیده گرفته می‌شود. این فشارها در اواسط سال گذشته تا آنجا ادامه یافت که حتی برخی مسئولان جمهوری اسلامی ایران هم روی تحریکات ضدانقلابی در پوشش "قشریکری" برای ناراضی کردن و به ستوه آوردن زنان و روی گردان کردن آنان از انقلاب تکیه کردند.

در حالیکه سال گذشته، تبلیغات امپریالیستی و ضدانقلابی با هدف تبدیل زن به یک کالای "ضدانقلابی" از یک سو و فعالیت عناصر نفوذی ضدانقلاب برای اعمال فشارهای بکلی بی‌مورد و نامعقول بر زنان به اوج خود رسیده بود. اما رشد آگاهی سیاسی زنان و همه مردم ما اجازه نداد که این تبلیغات و این فشارها توده زنان میهن ما را از مبارزه پیگیر علیه جنبه دشمنان انقلاب، از دفاع ایثارگراانه از انقلاب و دست‌آوردهای آن و از ادامه مبارزه برای تامین حق شرکت برابر حقوق زنان در کار و زندگی اجتماعی بازدارد.

### حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی

انقلاب ایران به رهبری امام خمینی واقعا" موفق شد توده‌های وسیع مردم محروم از آزادی کشور ما را از اسارت و سلطه امپریالیسم جهانی و رژیم سرسپرده آن برهاند و از بند رژیم جنهمی استبداد سلطنتی آزاد سازد. با پیروزی انقلاب توده‌های تمام کننده عزم و اراده خود را برای تامین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته و با رای قاطع به قانون اساسی، که در مجموع انعکاس همین خواسته‌هاست، گام اساسی را در این راستا برداشتند.

با اینکه انقلاب یقینا" ظرفیت آن را داشت که حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی بویژه حق فعالیت سیاسی برای نیروهای مدافع انقلاب را، بسیار فراتر از این تا می‌کشد. ولی متأسفانه در عمل حتی حسن اعظم حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی هم در سالی که گذشت معوق ماند. راست اینست که بیروزیها و بیثرفت انقلاب ایران در این عرصه نگوته‌های محسوس تا کندی و تاخیر و حتی سرفرت‌هایی نیز همراه بود.

بی‌گمان شرایط جنگی و موج برور و ناامنی که در سه‌ساله اول پیروزی انقلاب از سوی امپریالیسم و ضدانقلاب و عملگرد گروه‌های چهارم بر میهن ما تحصیل شده بود می‌توانست در این سرفرت مبرر باشد و بدون شک سر موثر بود. اما واقعت تلخ است که بیروزیهای ما در جنگ و سرکوبت برورسم ضدانقلابی و بطور کلی حرکت جمهوری اسلامی ایران سوی ثبات با برداسن کامیاب‌های جدی در راه تامین حقوق فردی و اجتماعی مردم و آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی همراة نبود.

در چهارمین سال انقلاب علاوه بر اینکه بخش اعظم حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی در رصده فعالیت احزاب سیاسی و انجمن‌های صنفی، حق آزادی بیان

قلم و اندیشه و مطبوعات و اجتماعات همچنان نادیده گرفته شد. تعرض همه‌جانبه خط‌ناکی هم به شیوای مرموز که از سوی محافل مقدس‌ماب راستگرا به حریم حقوق و آزادیهای فردی آغاز شده بود، گسترش بی‌سابقه‌ای یافت. تعرضی که هدف آن سلب امنیت فردی، شغلی و قضایی بمنظور تشدید ناراضی توده‌ها و دور کردن آنان از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود. تعرضی که بویژه در برخورد با زنان، اقلیت‌های ملی و مذهبی به مراتب حادثتر و زیانبارتر بود.

این تعرضات تا آنجا گسترش یافت که رهبر انقلاب با صدور یک فرمان بسیار مهم در ۲۴ آذرماه ستادی مرکز از مسئولان درجه اول جمهوری اسلامی ایران را مامور بیکبری اجرای فرمان و رسیدگی به تجاوزات به حقوق فردی مردم ساخته و محازات متخلفان را خواستار شدند. فرمان انحلال دوایر گزینش در تمام ادارات و نهادهای و ارگانهای مسلح بدلیل عملگرد انحرافی آنان گام بعدی رهبر انقلاب در این مسیر بود.

منشور بسیار مهم ۲۴ ماده‌ای ستاد بیکبری اجرای فرمان امام، که در جهت تامین حقوق و آزادیهای فردی مصرحه در قانون اساسی تدوین شده است، جانکه واقعا" و در عمل مبنای کار ارگانها و نهادهای دولتی و انقلابی قرار گیرد و به آن عمل شود این امید را ایجاد می‌کند که به بسیاری از تعرضات دشمنان قانون اساسی به حریم آزادیهای فردی و اجتماعی پایان داده شود و فضای جامعه در این عرصه به آرامش‌های سدرج در قانون اساسی نزدیک شود.

"فرمان امام" و "منشور ستاد" به اعتقاد ما با روحی آزادمنشانه و عدالت‌پژوهانه تدوین شده‌اند و چنانچه واقعا" اجرا شوند، می‌توانند در لحام ردن به خودسری‌ها و خنوکبری از بعضی حقوق فردی مردم بسیار موثر واقع شوند. با این حال، نباید فراموش کرد که اجرای آنها هم، مثل سایر مسایل حاد جامعه ما موضوع تیرد خط‌های متضادی است که می‌کوشند انقلاب را به جلو و یا به عقب ببرد. محافل سرمایه‌داران کزنده‌خورده از انقلاب و چپاولگرانی که بیسروزی انقلاب را تجاوز به "حقوق" خود معنا می‌کنند سر از مکی کوتاه بکنند؛ بسیج شدند که این فرمان را به عنوان آزاد کردن املاک و سرمایه‌های سگران خود و آزادی غارت و چپاول دسترنج مردم تعبیر کنند. از سوی دیگر همس محافل در همدستی با جریانهای قشری، انحصارطلب و مشکوک کوشیدند از فرمان امام در جهت تشدید فشار بر دگراندیشان مدافع انقلاب و حتی افست‌های ملی بویژه کردستان، سوءاستفاده کنند. کارهای سوء استفاده از فرمان امام به آنجا کشید که کارهای خلاصی که رهبر انقلاب مسئولان را از ارتکاب آن منع کرده‌اند، از جمله اعمال غیرقانونی و ناراضی‌تراش و انقلاب‌سکانه دوایر گزینش به توده‌ها؛ است داده شد.

در برابر این گرایش، گرایش دیگری وجود دارد که با معسری مردمی و انقلابی از پیام سمت اصلی آن را تدریسی علیه خودسری‌های قانون‌سکنان و دست‌های بهمانی عوامل ععودی ضدانقلاب و ناراضی‌تراش و همچنین متوجه ضرورت‌های اقتصادی می‌داند که در این محبوجه جنگ و دشواریهای جدی اقتصادی با ردوبند با یکدیگر و با اعمال نفوذ در دستگاههای دولتی خون مردم را به شبت گرفته و سالانه میلیارد میلیارد دسترنج مردم رحمکنش را می‌چاپند.

در هر حال می‌توان امیدوار بود که این فرمان و دستنر العمل ۲۴ ماده‌ای که در جهت معسر درستار آن و سود انقلاب تاثیر کند مشروط بر آنکه همه‌سروهای مدافع آگاهانه و هوشیارانه موفق شوند تلاترهای بزرگ مالکان و کلان‌سرمایه‌داران و مدافعان مقدس‌ماب آنان را برای بازنگردن دست و پای خود در چپاول گستاخانه توده‌ها مهار سازند.

متأسفانه هنوز در رصده احیای آن بخش از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی که به

حق فعالیت اراده احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع انقلاب در چهارچوب قانون اساسی باز می‌گردد، هنوز هیچ کوشش جدی آغاز نشده است. انواع و اقسام محدودیت‌های غیرقانونی و بکلی غیرقابل توجیه در راه دفاع سازمان فداان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران همچنان ادامه دارد. شریات و دفاتر آنان تعطیل شده است. اطلاعیه‌های ده ماده‌ای شهید قدوسی و مواعید مسئولان جمهوری اسلامی در زمینه حق فعالیت قانونی احزاب سیاسی معوق مانده است و بدون کوچکترین دلیل قانونی صدها نفر از آنها بازداشت و بسیاری نیز بدون دلیل قانونی محکوم شده‌اند.

شدت تعرض مخالفان قانون اساسی و مصوبات مجلس شورای اسلامی در این عرصه تا آنجاست که ستاد پیگیری اجرای فرمان امام هم در تدوین منشوری که هدف عمده آن تضمین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مصرحه در قانون اساسی است، ظاهراً موفق نشده است هیچیک از اصول مربوط به فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع انقلاب، از جمله اصول ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸ قانون اساسی، را در میان اصولی که مشور مورد استناد قرار داده است بگنجانند و برای سرفرازی انقلاب در این عرصه بسیار مهم چاره‌ای بیاندیشند.

واقعیات روزمره نشان می‌دهد جبهه مخالفان حقوق مردم و آزادی احزاب و سازمانهای مدافع انقلاب که در قانون اساسی تصریح شده، همگون نیست. در این جنبه علاوه بر نیروهای شناخته شده ضدانقلابی و علاوه بر جریان راستگرای مخالف اصلاحات بنیادین که شعارهای سرکوب چپ را فقط منظور بازگردن راه مقابله انکار با همه نیروهای انقلابی در حاکمیت و بستن راه اصلاحات سیاسی و بازگردن راه برگشت انقلاب طرح می‌کنند. متأسفانه بخش مهمی از نیروهای واقعا انقلابی هم حضور دارند که علت حدت خصوصیات فکری یا انحصارطلبانه تحت تاثیر تبلیغات دروغین، ضدانقلابی، زهرآگین و تفرقه‌افکنانه امبرالیسم و ضدانقلاب، از شعارهای سرکوب دگراندیشان مدافع انقلاب و پایمال کردن حقوق مردم حمایت می‌کنند. بهر حال ما کوچکترین آمیدی نداریم که ضدانقلاب و مخالفان پیشرفت انقلاب این موضع خصمانه خود را نسبت به حقوق مردم و تأمین آزادی فعالیت سیاسی پیروان سوسیالیسم علمی که پیگیرانه از انقلاب دفاع می‌کنند را ترک گویند. اما باید امیدوار باشیم آنان که واقعا "در راه مردم محروم پیگار می‌کنند در این عرصه هم راه خود را از ضدانقلابیون و بیات ارتجاعی پیشرفت انقلاب جدا کنند.

پیروزی انقلاب در حد دیگر خلقهای مبین شربین گردد. در سال گذشته نیز خلق کرد با رستم ملی و حرمان جانکاه ناسی از انرا در کنار رنج ناشی از فعالیتهای ضدانقلابی باندهای مسلح همچنان به دوش کشید.

به نظر می‌رسد هنوز در راه حل اصولی مساله کردستان موانع جدی وجود داشته باشد. موانعی که تنها به فعالیت ضد انقلاب در منطقه کردستان محدود نمی‌شود. درست برعکس، ابعاد فعالیت ضدانقلاب نیز تا حدود معینی ناشی از وجود موانعی است که در راه حل مساله گرهي در کردستان قرار دارد. سازمان فداان خلق ایران (اکثریت) مدنیهاست که تاکید می‌کند مساله اصلی در کردستان مساله ملی است و حل مساله ضدانقلاب نیز مشخصاً تابع شیوه برخورد با مساله ملی است و مانع جدی در راه حل مساله کردستان آنست که سیاست جمهوری اسلامی ایران تمام مساله کردستان را به مساله ضدانقلاب در کردستان محدود می‌کند و عملاً وجود مساله ملی در کردستان را انکار می‌کند.

سازمان ما، بنا به تجربه همه کشورهای کثیرالمله، راه حل اصولی مساله کردستان را به رسمیت شناختن حقوق ملی هم‌میهنان کردما در اداره امور محلی و پاسداری و اشاعه فرهنگ ملی مردم کردستان می‌داند و مصرا نه پیشنهاد کرده‌است که بواعید مثبت و مؤثر امام خمینی رهبر انقلاب و سیاستگذار جمهوری اسلامی ایران که در پیام ۲۶ آبان ۱۳۵۸ ایشان انعکاس یافته منای تأمین خودمختاری (یا خودگردانی) اداری و فرهنگی مردم کردستان در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران و حیل اصولی مساله کردستان قرار گیرد. زبان عدم توجه به این راه حل آنست که از یک سو دست دشمنان داخلی و خارجی انقلاب ما را باز خواهد کرد که از مساله ملی در کردستان به سود جداسازی و بحران هم‌اندازی مردم کرد سودجویند و از سوی دیگر یکی از اهداف مهم انقلاب ایران که رفع ظلم و خصم و تأمین امنیت و آرامش برای همه مردم ایران است هم چنان معوق خواهد ماند. اما سراسی بجمعی سال انقلاب نمی‌تواند سرآغاز پایان رفع ستم‌سالاری گردد که بر مردم رحمکش کرد هم‌میهن با اعمال می‌شود؟ به نظر ما هیچ دلیلی برای ادامه این وضع دردناک که فقط دشمنان مردم ما را شادمان می‌کند وجود ندارد.

### دوازدهمین سال حیات انقلابی سازمان

با فرارسیدن ۱۹ بهمن جشن فداان خلق ایران دوازدهمین سال حیات برنمر خود را پشت سر نهاد و همراه با آغاز بیستمین سال پیروزی انقلاب سال نوی پیگار انقلابی خویش را آغاز کرد.

سازمان فداان خلق ایران (اکثریت)، که تمر تکامل خلاق و یوای سازمان جریگه‌های فدایی خلق ایران است، در چهارمین سال انقلاب، به پیروی از شی اصولی و انقلابی خود، در تمام جنبه‌های دفاع از دست‌آوردهای انقلاب و در مبارزه بحاطر پیشبرد همه‌جانبه‌ان تمام نیروی خود را بکار گرفت تا منتها خدمات تأسیسندای در راه پیشروی انقلاب باشد.

نیرویی که امروز مردم ما آن را با نام (اکثریت) می‌شناسند در سالی که گذشت به مثابه جریگه‌ای باپذیری از نط عظیم نوده‌های میلسوی مردم مبین ما، در راه تحقق همه‌جانبه آماج‌های اساسی انقلاب، یعنی استقلال، آزادی و عدالت‌اجتماعی با فداکاری به مبارزه خستگی‌ناپذیر خود ادامه داد و برای نامس رسان مسرک، برای یافتن شیوه‌های همکاری و اشتراک مساعی، برای یافتن راه‌های اتحاد با همه نیروهای جبهه دفاع از پیشبرد انقلاب

### مساله کردستان و راه حل اصولی آن

مساله کردستان در سالی که گذشت سر هم چنان یکی از مهمترین دشواریهای انقلاب ما بود. در سالی که گذشت ضدانقلاب مسلح در کردستان رنج‌ها و دشواریهای تازه‌تری برای مردم کردستان آفرید. باد قاسمو و گروهک مائوئیستی کومله در چهارمین سال انقلاب با ارتکاب جنایات تازه سبتری علیه مردم کردستان چهره ضدانقلابی خود را آشکارتر ساخت. مردم کردستان در سالی که گذشت در راه دفاع از انقلاب بازهم گام‌های تازه‌تری برداشتند. در چهارمین سال انقلاب گرچه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مومنی شدند صدمات موری بر ضدانقلاب وارد سازند اما از آنجا که این موفقیت‌ها تا حدی در ساسات جمهوری اسلامی ایران در سبب حل اصولی مساله کردستان همراه سد هبور می‌وان انتظار داشت که کام مردم کردستان نیز از شهید

بد امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی بیکرانه تلاش کرد.  
از آنجا که راه سازمان ما، راه نابودی سلطه امپریالیسم و نابودی چپاولگری بی‌سند و بار  
کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان است. از آنجا که راه ما راه دفاع از منافع مردم محروم و  
زحمتکش و راه نوسازی انقلابی میهنمان ایران است، رهروان سازمان ما هدف دشمنی کین  
توزانه عمال امپریالیسم، کلان سرمایه‌داران، بزرگ مالکان و دیگر دشمنان سوگند خورده  
مردم قرار گرفته‌اند. رشد جنبش حق طلبانه توده‌ای و پایمردی ما در این راه، بی‌گمان  
این دشمنی را تشدید خواهد کرد.

سازمانی که دوران کوتاه عمر خود، سخت‌ترین فشارهای رژیم ددمنش شاه را به بهای  
جان مدهاشمید به جان خریدده است، سازمانی که در بحرانی‌ترین شرایط و در سخت‌ترین  
لحظات فداکارانه به آماج‌های انقلاب وادار می‌ماند، بسان هر نیروی انقلابی دیگری بر  
این باور نیست که آماج تیرهای جبهه متحد ضد انقلاب قرار نگیرد. تیرهایی که همانگونه  
که در دوران ۱۲ ساله زندگی سازمان نشان داده است، عزم ما را در ادامه راه و تحکیم  
پیوند با مردم و ژرف‌تر ساختن خصالت انقلابی سازمان استوارتر ساخته است.

و بدین سان بود که در سالی که گذشت علیرغم تمام دشواریهای موجود و تحریکات  
وسعی که علیه سازمان ما سازمان داده شده بود، نیروهای سازمان گاه با به‌جان خریدن  
شدیدترین فشارها، فعالیت از سابق، در همه سنگرهای دفاع از انقلاب ایستادند و فداکارانه  
از انقلاب از منافع مردم زحمتکش و از اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب دفاع کردند.

در سالی که گذشت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تدوین "طرح برنامه"  
خود برای پیشبرد همه‌جانبه انقلاب موفق شد آخرین گام خود را در راه ارتقا به سطح  
افتخارآفرین سازمان طرازنویین و پیشاهنگ طبقه کارگر ایران بردارد و در تمامی راستاها،  
در سیاست، در تئوری، در برنامه، در امور سازمانی، در عمل به مواضع اصیل طبقه کارگر  
تجهیز شود. تصمیمات مهم ۲۷ خرداد ۱۳۶۱ کمیته مرکزی سازمان بواقع جشن پایان‌گذار

از رنج‌ها و روز پیروزی همه‌جانبه طبقه کارگر و همه زحمتکشان در سازمان ما بود.  
طرح برنامه سازمان، که توسط هیات سیاسی کمیته مرکزی تدوین و تصویب شده و کلیات  
آن به تأیید کمیته مرکزی سازمان رسیده بود در سالی که گذشت در سراسر کشور در  
واحدهای سازمان به بحث و بررسی گذاشته شد. تمامی واحدهای سازمانی، بدون حتی  
یک مورد استثناء، کلیات برنامه را به مثابه برنامه سازمان طرازنویین طبقه کارگر ایران برای  
پیشبرد همه‌جانبه انقلاب، مورد پشتیبانی و تأیید قرار داده‌اند. واحدهای سازمانی  
در عین حال پیشنهادات مفید و سازنده خود را برای گنجینیدن در برنامه برای کمیته  
مرکزی سازمان ارسال داشتند. این پیشنهادات هم‌اکنون در دستگاه رهبری سازمان در حال  
بررسی است. تدوین و انتشار طرح برنامه در عین حال که ثمره بلوغ سازمان به سطح  
پیشاهنگ طبقه کارگر بود، به نوبه خود قادر شد سطح وحدت ایدئولوژیک سیاسی و سازمانی  
سازمان را ارتقا دهد. بحث‌های واحدهای سازمانی حول طرح برنامه سازمان گام بسیار  
مؤثری در این جهت بوده است.

سازمان در یکسال گذشته با عزمی راسخ و یکپارچه راه نزدیکی و همکاری برادرانه با  
حزب توده ایران را ادامه داد. تجهیز سازمان به برنامه طبقه کارگر برای پیشبرد انقلاب  
در عمل به ایجاد وحدت فکری و سیاسی میان رفقای ما و رفقای توده‌ای کمک بسیار مؤثری  
کرد. تصحیح نگرش سازمان نسبت به تاریخ جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران که چندی  
پیش از آن انجام گرفته بود نیز به این امر کمک شایان توجهی کرد. سازمان اکنون بدرستی  
دریافته است که پویندگی شجاعانه و خستگی‌ناپذیر او در راه نیل به مواضع حزب طراز  
نویین طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران، حماسه واقعی است که از سیاهکل تا امروز  
سراسر تاریخ سازمان را می‌پوشاند.

سازمان در راه وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر ایران تنها با دشمنی نفرت‌آلود  
دشمنان شناخته شده طبقه کارگر مواجه نشد. در تاستان و پاییز سال ۶۰ در داخل صفوف  
سازمان نیز اشخاصی پیدا شدند که پرچم مبارزه با وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر را بلند  
کردند. علی‌گشتگر که پس از انقلاب خود را با سازمان همراه کرده بود و شخص ناشناخته‌ای  
بنام ابراهیم شفیعی هلیل‌رودی از اعضای کنفدراسیون آمریکا و بدون سابقه سیاسی قلمی  
در ایران به همراه عده دیگری که تحت تاثیر آنها قرار گرفته بود با ایجاد دسته‌بندی  
پنهانی در سازمان و اعلام اشعاب ناگهانی از سازمان کوشیدند از طریق شکاف‌انداختن در  
سازمان مانع روند وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر شوند. اینها دشمنان ناشناخته وحدت  
طبقه کارگر مبین ما بودند. اما سطح آگاهی نیروهای سازمان و واکنش قاطع حوزه‌ها و  
کمیته‌های سازمان نقشه آنها را با شکست سختی مواجه ساخت. نه تنها سازمان کلا حفظ  
شد، بلکه بر درجه وحدت فکری و سیاسی و سازمانی آن نیز افزوده شد. با این همه  
متأسفانه گردانندگان این توطئه در برخی ایالات، بویژه اصفهان و خوزستان موفق شدند  
بخشی از نیروهای سازمان را از سازمان جدا کنند.

همانگونه که پیش‌بینی می‌شد در میان افراد جدا شده از سازمان دودسته افراد وجود  
داشتند. دسته اول مائوئیست‌ها و نیمه‌مائوئیست‌های جا افتاده‌ای بودند که خوب می‌دانند  
به کدام طرف می‌روند اما باز هم می‌روند. دسته دیگر عناصر صادقی بودند که به علت  
بیچیدگی شرایط و غرنجی مسائل ناخودآگاه به راه اشعاب کشیده شده بودند. از همان  
آغاز پیدا بود که جای عناصر دسته اول در سازمان ما نیست در حالیکه جای افراد دسته  
دوم در سازمان است. تجربه یکساله اخیر نیز عین همین بشرسی را ثابت کرد. روند  
شکاف در جریان اشعاب روز به روز دامنه وسیع‌تری می‌گیرد. دوگانه‌اش متضاد در سطح  
مشتمل در حال رشد است. در یک سو اکثریت افراد صادقی منتصب قرار دارند که روز به روز  
روز با مواضع صحیح نزدیکی بیشتری احساس می‌کنند و در سوی دیگر عده‌ای هستند که روز  
به روز از مواضع صحیح دور می‌شوند و وجود حدایی خود را با سازمان تشدید می‌کنند.  
سازمان وظیفه انقلابی مهم خود می‌داند که به سمت‌گیری صحیح افراد صادقی که تحت  
تاثیر عناصر توطئه‌گر و ضدوحدت قرار گرفته‌اند هرچه بیشتر کمک کند. موفقیت سازمان در  
یکسال گذشته در جلب عناصر صادق به راه صحیح درخشان بوده است.

اما مساله مهم‌تر برای سازمان آنست که گردانندگان توطئه اشعاب، در سایه تأیید محافل  
ضد کمونیستی و ضد نواده‌ای، با استفاده از نام و عنوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
تمام سعی خود را نگار می‌برند که سیاست و هویت سازمان را در ذهن مردم بغشوش و مخدوش  
سازند. آنها که در جلب سروهای سازمان سبوی خود به نحو فاحشی شکست خوردند،  
کوشیدند از طریق انتشار نشریات و جعل نام (اکثریت) ذهن مردم را نسبت به سازمان  
دچار اغشاش سازند. آنها در حالیکه خودشان خوب می‌دانند که "اکثریت" فدائیان  
خلق ایران عمل آنها را محکوم و راه آنان را طرد کرده‌اند ما این همه خود را به نیروی  
"اکثریت" اعلام می‌کنند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همچنان مجدانه کوشش خواهد کرد که به افراد  
صادق این گروه کمک کند و افعیات موجود را بنیاسند و راه صحیح را برنگزینند و از آن  
مبهر به مردم کمک کند تا هویت سیاسی و سازمانی این جریان را به عنوان یک گروه  
مستعرب سازمان بنیاسند. این امر برای حسن انقلابی ما اهمیت زیادی دارد که خود  
مردم موفق شدند دریابند که تنها "افلستی ناخبر راه" اکثریت فدائیان خلق را  
برگ کرده و از آن اشعاب کرده‌اند.

گاهی به مجموعه حرکت سازمان در سالی که گذشت ننگل بی‌دهد که فدائیان  
ایران (اکثریت) به انکای تجارت گرانقدری که بویژه در این دوران انقلاب کس کرده‌اند

با همکاری سودمند با رفقای بوده‌ای بواسطه‌اند بدون تعرض بهوظایف حسود در دفاع از افلاک و مبارزه در راه پیشبرد آن عمل کنند. سازمان در سالی که گذشت سراسر مبنای اصولی اتحاد - مبارزه در تمامی عرصه‌ها بویژه در عرصه کار توده‌ای از مبارزه بیرونی اصل خط مردمی و ضدامپریالیستی امام خمینی پشتیبانی کرده است. و در جهت بالا بردن ساخت توده مردم از آماج‌های انقلاب و از دوستان و دشمنان خود و مشارکت فعال‌تر آنان در انقلاب با جدت تلاش کرد. "اکثریت" در سالی که گذشت در تمام جنبه‌های بیگار انقلابی، علیه تمام دشواری‌هایی که صدانقلاب و بسیاری از هواداران ناآگاه انقلابی در راه فعالیت آن ایجاد کردند کوشید پیوند خود را با کارگران و سبزترین توده‌های خلق و سناست خود را با دیگر نیروهای راستین مدافع انقلاب، یعنی پیروان صدیق خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی تحکیم بخشد و گسترش دهد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این اعتقاد است که تحکیم این اتحاد و شرکت هرچه وسیع‌تر توده‌های خلق در پشتیبانی از آماج‌های انقلاب یگانه راهیست که می‌تواند انقلاب را حفظ کند، آن را در راستای ضدامپریالیستی و مردمی گسترش دهد و از این طریق راه‌های بازگشت آن را بیکراه مسدود سازد. سازمان ما در سیزدهمین سال خود و در پنجمین سال انقلاب با غریبی راسخ و شوری سرشارتر در همین راستا گام برخواهد داشت.

## انقلاب ایران: رشته بهم بافته‌ای از بیم‌ها و امیدها

انقلاب ایران در چهار سالی که گذشت راهی فرج و برکنارش را پشت سر نهاد. این انقلاب تا امروز پیروزی‌های بسیار بزرگی کسب کرده است. در حالیکه دشواری‌های بنیادین آن نیز در این مدت تاخیر نکرده و سست. امروز توده‌های وسیع مردم زحمتکش از خود بیایی می‌برسند که فرجام این انقلاب چه خواهد بود؟ اما امپریالیسم و ارتجاع موفق می‌شوند آن را مستعد و به راه بازگشت استاندارد؟ با افلاک برآستی موفق خواهد شد دستاوردهای خود را حفظ کند و در راستای آماج‌های اساسی خود یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پیش‌رود؟

دلایل معنی در دست است که سازمان می‌دهد مردم ما توان آن را دارند که تلافی‌ها و نوطک‌های امپریالیستی و صدانقلابی را برای درهم شکستن انقلاب و سوق دادن آن به سوی بازگشت حسی و بی‌اسرار سازد. انقلاب را به پیش‌راند و پیروزی‌های باارزوم بیشتری را آرا وی سازد.

تشدید بحران امپریالیسم، عمیر تدریجی تناسب نیروی امپریالیسم و نیروی جنبه فدائیمپریالیستی در مقابله‌های جهانی و ظهور مشخص شتاب این روند در منطقه خاورمیانه، که از ویژگی‌های دهه ۱۹۸۰ است، وجود کشور نیرومند اتحاد شوروی و موضع فاطم آن در دفاع از انقلاب ایران بازگشت‌ناپذیری انقلاب افغانستان، تشدید بحران در ترکیه و پاکستان، حاشی انقلابی در عراق، صحنه‌گیری آشکار جنبش فلسطین و از همه مهمتر خود یقین پیروزی انقلاب ایران بر ضعف مواضع امپریالیسم در منطقه و بسیاری خواهد دیگر همه و همه حاکی از آنست که در دهه ۱۹۸۰ امپریالیسم و ارتجاع منطقه قادر نیستند مجموعه اوضاع و احوال منطقه را به شرایط دهه ۱۹۷۰ بازگردانند.

با این هم‌پس یک سیخه‌گیری سبازگلی است. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هنوز هم در مساعی است بدون سوا انقلاب ما را بسکند. ادامه

جنگ، تسلیح ترکیه و پاکستان، ادامه تحریرات در افغانستان و تدارک قوا در خلیج فارس و از همه مهمتر تلاش به منظور حمایت فعال‌تر از نیروهای دست‌راستی مخالف پیشرفت انقلاب همه و همه نشانه‌های جدی این امید امپریالیسم است.

نیروهای مدافع انقلاب ایران نیز مشخصاً امیدوارند بتوانند توطئه‌های مخ و با براندازی انقلاب را درهم شکنند و انقلاب را در راستای آماج‌های اساسی خود پیش‌برند. در این نبرد مشخص، در این نبرد عظیم تاریخی که میهن ما را فراگرفته است که برکه پیروز خواهد شد؟ به اعتقاد ما هرگاه نیروهای مدافع انقلاب، و در رأس همه نیروهای انقلابی پیرو خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی که رهبری انقلاب را در دست دارند، به‌خواست و حرکت و مبارزه توده کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان تکیه کنند و از بسیج و تشکل توده مردم و از افشای مواضع مخالفان پیشرفت انقلاب بیمی به‌خود راه ندهند، هرگاه این نیروها راه اتحاد همه مدافعان انقلاب را در پیش گیرند، وضیت عینی در سطح ملی و بین‌المللی بهیچ‌وجه ایجاب نخواهد کرد که انقلاب ایران از بویش تکاملی خود باز ایستد و یا در سراسیم بازگشت قرار گیرد.

### فرخ نگهدار

دبیر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هجدهم بهمن‌ماه یکهزار و سیصد و شصت و یک